

رابطه بین تعارضات زناشویی والدین با رشد قضاوت اخلاقی و رضایت از

زندگی دانش آموزان دختر

حجت اله فانی^{۱*}، معصومه فانی^۲

چکیده

این تحقیق با هدف تبیین رابطه بین تعارض زناشویی والدین با رشد قضاوت اخلاقی و رضایت از زندگی دانش آموزان اجرا شده است. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بوده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دختر سال سوم دوره اول متوسطه و والدین آنها در شهر مرودشت بوده است. با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه‌ای از فهرست مدارس دارای رشته علوم انسانی، تعداد ۷ مدرسه، و از هر مدرسه یک کلاس بطور تصادفی تعیین و دانش آموزان و والدین آنها بعنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه تعارض زناشویی والدین (Sanayi, Barati & Boostsni, 2008) و رشد قضاوت اخلاقی (Dorganasinha Mir 1998) (Varma, 1989) و رضایت از زندگی (Dienner, 1989) بودند. تحلیل داده ها با استفاده از آزمون آماری ضریب همبستگی و رگرسیون گام به گام نشان داد که بین تعارض زناشویی والدین و رشد قضاوت اخلاقی و رضایت از زندگی دانش آموزان و نیز بین مولفه های تعارض زناشویی (افزایش واکنش هیجانی، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط موثر با رشد قضاوت اخلاقی و رضایت از زندگی دانش آموزان رابطه معکوس و معناداری وجود دارد). همچنین ابعاد تعارضات زناشویی قادر به پیش بینی میزان رشد قضاوت اخلاقی و رضایت از زندگی دانش آموزان است و از این ابعاد، متغیر واکنش های هیجانی نسبت به دیگر ابعاد پیش بینی کننده قوی تری برای رشد قضاوت اخلاقی و رضایت از زندگی می باشد.

واژه‌های کلیدی: تعارضات زناشویی، رشد قضاوت اخلاقی، رضایت از زندگی.

^۱ - استادیار، گروه مشاوره، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده / دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

* - نویسنده مسوول مقاله: fani_h2013@yahoo.com

مقدمه

فرایند رشد قضاوت اخلاقی^۱ یکی از مهم ترین ابعاد رشد است. این فرایند به دو عامل مهم «رشد توانایی های مادرزادی» و «یادگیری و تجربه» بستگی دارد. بخشی از یادگیری ها و تجارب ما حاصل تعامل با محیط خانوادگی است. دوره ی نوجوانی حساس ترین دوره ی مواجهه با ارزش ها و استانداردهای اخلاقی و راه های کنار آمدن با آنهاست. همین که نوجوانان به رشد اخلاقی و شناختی بالاتری می رسند، ممکن است در مورد عقاید اجتماعی، سیاسی و اخلاقی والدین تیزبینانه بنگرند. اگر محیط اجتماعی و خانوادگی نوجوانان محیطی پرتعارض و ناآرام باشد، تنش های موجود، احتمالاً حساسیت های بیش تری را برخواهد انگیخت و احياناً آنها را دچار رفتارهای ناهنجار و یا متعارض خواهد کرد.

اولین بررسی های انجام شده در رابطه با قضاوت اخلاقی کودکان، با تحقیق پیاژه به سال ۱۹۳۲ آغاز می شود. اما رشد اخلاقی در دوره نوجوانی، بویژه، مدیون تحقیقات کلبِرگ است. نظریه پردازی و تحقیقات روان شناختی در موضوع رشد اخلاقی کودک، با مفهوم وجدان در آثار زیگموند فروید و مفهوم استقلال اخلاقی در آثار ژان پیاژه آغاز شد. فروید بر روابط والدین-کودک، هیجانان و احساس گناه متمرکز شد، اما پیاژه بر روابط همسالان، شناخت، عدالت و تفکر تاکید کرد. تحقیقات شناختی-تحولی، تحلیل های مفصلی در مورد تاثیر والدین بر تحول اخلاقی، نقش تعاملات و تجارب اجتماعی و نقش فرهنگ، ارائه نموده اند (Jahangirzadeh, 2011). از نظر پیاژه، رشد اخلاقی حاصل رشد شناختی تجارب اجتماعی و به معنای احترام به قوانین و عدالت اجتماعی است و خانواده بخشی از این تجارب اجتماعی است. خانواده بنیاد بسیاری از ویژگی های اخلاقی تلقی می شود و والدین به طرق مختلف از جمله با ارائه مدل علمی رفتاری خودشان، رفتار اخلاقی کودکان را شکل می دهند (Dorty, 1994). به نظر کلبِرگ بروز ناهنجاری های اجتماعی بویژه بزهکاری، خشونت، مصرف مواد مخدر و خودکشی در میان نوجوانان به ویژه در جوامع صنعتی غرب، بسیاری از جامعه شناسان و روانشناسان را به بررسی در زمینه ارزش های اخلاقی جلب نموده است. لورنس کلبِرگ تفاوت های موجود در استدلال کودکان درباره قضایای اخلاقی را بررسی نمود و نخستین گام را در شکل گیری نظریه «مراحل رشد اخلاقی در انسان» برداشت. وی دریافت که محیط خانواده نخستین منبع ارائه دهنده ارزش ها و رشد اخلاق در فرد می باشد و والدین و همسالان به عنوان الگوهای اخلاقی نقش ایفا می کنند. ارزش ها در نتیجه کنش شناختی متقابل کودک با محیط اجتماعی پدید می آیند و والدین و همسالان از عناصر کلیدی و سرنوشت ساز محیط اجتماعی کودک اند. البته برخی روانشناسان رشد وجدان و نگرش اخلاقی کودکان را متأثر

¹.Moral judgment development

از همانند سازی آنان با والدین و نیز روش‌های تشویق یا تنبیه رفتار آنان در موقعیت‌های معین می‌دانند. تماشای فرد بزرگسال که بر پایه اصول مورد پذیرش جوانان به اظهار نظر اخلاقی می‌پردازد و به خاطر آن تقویت می‌شود و ممکن است سبب شود کودکان قضاوت اخلاقی خود را یک سطح بالاتر یا پایین تر ببرند (Pasha, 2010; kreen, 1985).

رضایت از زندگی فرآیند قضاوتی- شناختی در مورد کیفیت زندگی خود بر اساس مجموعه‌ای از ملاک‌هاست که از تجارب پیشین و کنونی فرد، انتظارات، پیش بینی‌ها و عواطف تنیده در این تجربه‌هاست. پژوهش‌ها نشان داده که عدم رضایت از زندگی با وضعیت سلامتی ضعیف تر، علائم افسردگی، مشکلات شخصیتی، رفتارهای نامناسب بهداشتی، وضعیت اجتماعی و خطر بالاتر خودکشی همبسته است (Maltaby, 2004). این مفهوم، یک ارزیابی کلی از زندگی بوده و فرایندی مبتنی بر قضاوت فردی است، یعنی فرد بر اساس معیارهای شخصی خود، کیفیت زندگی اش را می‌سنجد (Diener, 1989). عوامل مختلفی از قبیل سلامت جسمی و روانی، ویژگی‌های شخصیتی و جمعیت شناختی شامل جنسیت، گروه سنی، ازدواج، موقعیت اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی، خانواده و روابط اعضا آن بر میزان رضایت افراد از زندگیشان و رشد آنها در ابعاد مختلف تاثیرگذار باشند (Masrou, 2009; veenhoven, 1999).

تعارض^۱ عبارت است از عدم توافق و مخالفت دو فرد با یکدیگر، ناسازگاری نظرات و اهداف رفتاری که در جهت مخالفت با دیگری صورت می‌گیرد و همچنین ستیزه‌ای بین افراد در اثر منافع ناممسو و اختلاف اهداف و ادراکات مختلف (Baharestan, 2004, rabenz, 1991). هالفورد تعارض را نارضایتی مهم و مداوم در رابطه توسط حداقل یکی از زوجین دانسته است، بطوریکه این موضوع بر کارکرد همسر موثر بوده و منجر به اختلافات دائمی گردد (Halford, 2001). به نظر کنبال اهن هر جا عدم توافق، تفاوت یا ناسازگاری بین همسران وجود داشته باشد تعارض به وجود می‌آید (Salari, 2012; Kenbal Ehen, 1992). تعارض با خطر فزاینده انواع اختلالات روانی از جمله افسردگی خصوصا در زنان، سوء مصرف مواد خصوصا در مردان، ناکارآمدی جنسی در هر دو جنس و مشکلات رفتاری رو به افزایش در فرزندان خصوصا اختلالات رفتاری پسران ارتباط دارد (Efarel, 1989; Salari, 2012). پژوهش‌ها حاکی از آن است که رضایت از زندگی، از پیش بینی کننده‌های سلامت روان است و از دیگر سازه‌های روانشناختی، مانند عاطفه مثبت و منفی، عزت نفس و خوش بینی، متمایز است. افراد با رضایت از زندگی بالاتر، از سبک مقابله‌ای موثرتری استفاده می‌کنند و عدم رضایت از زندگی با وضعیت سلامتی ضعیف تر، علائم افسردگی، مشکلات شخصیتی، رفتارهای نامناسب بهداشتی، وضعیت اجتماعی و خطر بالاتر خودکشی همبسته است (Maltaby, 2004).

^۱.conflict

2004). رضایت از زندگی یک مفهوم ذهنی و منحصر به فرد است که به همراه عاطفه‌ی مثبت و نفی، سه جزء اساسی بهزیستی ذهنی را تشکیل داده و به ارزیابی شناختی از زندگی اشاره دارد. عوامل مختلفی از قبیل سلامت جسمی و روانی، ویژگی‌های شخصیتی، جنسیت، گروه سنی، ازدواج، موقعیت اقتصادی- اجتماعی و فرهنگ می‌تواند بر رضایت از زندگی موثر باشند (Masrouf, 2009, venhoven, 1999). هم‌چنین عوامل ژنتیکی، سلامتی، تحصیلات، روابط اجتماعی و کار و فعالیت اقتصادی مذهبی، آزادی و دموکراسی و برخورداری از حقوق فردی و اجتماعی و تمایلات و تضادهای ملی و فرهنگی با رضایت از زندگی همبسته است. حدود ۵۰ درصد از سعادتمندی و رضایت از زندگی ارثی و ژنتیکی می‌باشد. عواملی نظیر خوش بینی، برون‌گرایی و اجتماعی بودن، عزت نفس، هوش، پایین بودن روان رنجوری، توانایی برنامه‌ریزی و سازماندهی، می‌تواند تاثیر زیادی بر رضایت از زندگی داشته باشند. مطالعات نشان داد که زنان نسبت به مردان رضایت بیشتری از زندگی دارند، البته این به شرایط ملی و فرهنگی نیز وابسته است (Donavan & Helper, 2002). هم‌چنین سلامتی و تحصیلات بویژه زمانی که منجر به شغل و موقعیت اجتماعی و درآمد بالاتر گردد بر رضایت از زندگی موثرند. بعلاوه زندگی اجتماعی، روابط دوستانه، صرف اوقات فراغت در فعالیت‌های جمعی، ورزش گروهی، تفریح، شرکت در جلسات گروهی همگن، فعالیت‌های داوطلبانه، خیرخواهانه و مذهبی و نیز داشتن روابط صمیمی با دوستان، داشتن افراد و سیستم‌های حمایتی با رضایت از زندگی رابطه مثبت دارند (Denier, 1993). آزادی و دموکراسی، برخورداری از حق و حقوق فردی و اجتماعی خود، ثبات، اقتدار و قانون‌مداری، کنترل فساد و آسیب‌های اجتماعی می‌تواند در میزان رضایت از زندگی موثر باشد. بین شغل و فاکتورهای اقتصادی نظیر بیکاری، اخراج از کار، سطح بالای نابرابری و بی‌ثباتی اقتصادی با میزان رضایت از زندگی رابطه وجود دارد. احساس کنترل شخصی بر زندگی و سرنوشت و کارآمدی می‌تواند در میزان رضایت از زندگی موثر باشد. هم‌چنین بین میزان سازگاری با شرایط مختلف و متغییر زندگی و سلامتی و رضایت از زندگی رابطه قوی وجود دارد (Helper & Donovan: Hart, 1988). رضایت از زندگی از باورهای مذهبی و شرکت در فعالیت‌ها مربوط به آنها تاثیر می‌پذیرد و افراد مذهبی نسبت به افراد غیر مذهبی رضایت بیشتری از زندگی دارند. بعلاوه زندگی خانوادگی و بخصوص کیفیت آن رابطه قدرتمندی یا رضایت کلی از زندگی در بین دانش‌آموزان ابتدائی دارد (Hubner, 1994). صاحب نظران بر این باورند که ویژگی‌هایی مانند دوست داشتن، عقل و عدم وابستگی از جمله مؤلفه‌های اساسی رضایت از زندگی است، بررسی‌های تجربی در مورد رضایت از زندگی و به دنبال آن در چهارچوبی گسترده‌تر بهزیستی فاعلی از اوایل قرن بیستم شکل گرفتند، برای مثال (Lopez, 1986; Bayani, 2007).

در خلال دهه ۱۹۷۰ پژوهشگران علاقمند به تحقیق در زمینه بهداشت روانی و رضایت از زندگی، عواملی مانند زندگی خانوادگی، روابط دوستانه و رضایت شغلی را بعنوان فاکتورهای سعادت‌مندی مورد پژوهش قرار دادند. این پژوهش‌ها عمدتاً متمرکز بر جمعیت بزرگسال بود. تنها پژوهش مربوط به کیفیت زندگی یا رضایت از زندگی کودکان و نوجوانان پژوهش اپستاین بود. کار او حول محور کیفیت زندگی تحصیلی و رضایت از مدرسه بود (Huebner, 1994). در این دوره، اپستاین و پرتلند با تحقیق در سه مقطع ابتدائی، راهنمایی و دبیرستان از طریق مقیاس QSL^۱ که سه بعد از کیفیت زندگی تحصیلی دانش آموزان را که شامل رضایت کلی از مدرسه، تعهد نسبت به تکالیف مدرسه و نگرش نسبت به معلمان مدرسه بود را مورد ارزیابی و پژوهش قرار دادند. از دهه ۱۹۹۰ به بعد پژوهش‌های بیش تری در زمینه رضایت‌مندی دانش آموزان چه از بعد نظری و چه از بعد تجربی، عینی و بر اساس شاخص‌های ذهنی و عینی رضایت از زندگی انجام شد. شاخص‌های عینی شامل رفاه مالی، هزینه‌های مدرسه، هزینه‌های زندگی، میزان طلاق و شاخص‌های ذهنی شامل ادراک و قضاوت افراد از زندگی و رضایت‌مندی آنها مطابق با استانداردهای مورد نظر آنها بود. البته شاخص‌ها و ارزش‌های ذهنی بیش‌تر مورد توجه و پژوهش قرار گرفت (Huebner & Dew, 1994).

خانواده یکی از مهمترین نهادهای جامعه و مبدا بروز و ظهور عواطف انسانی و کانون صمیمانه-ترین روابط میان افراد و مهد پرورش فکر، اندیشه، اخلاق و تعالی روح انسانی است. خانواده محل تامین نیازهای عاطفی، مادی، تکاملی و معنوی اعضای خود نیز هست. از آنجا که سلامت و بالندگی فرد در گرو رشد و سلامت خانواده است، هیچ یک از آسیب‌های فردی و اجتماعی فارغ از تاثیر خانواده پدید نیامده است عدم امنیت یا کاهش آن در خانواده و بی توجهی نیازهای عاطفی اعضا می‌تواند زمینه ساز اضطراب، افسردگی، سرخوردگی، عدم اعتماد به نفس و احساس بی کفایتی، افزایش جرم و جنایت، انحرافات اخلاقی و سرانجام اعتیاد و خودکشی شود. تنش‌ها و درگیری مداوم در زندگی نوعی بیماری و نیازمند پیشگیری و درمان است. وظیفه شناسی و مسئولیت‌پذیری و مبارزه با خودخواهی و خودپسندی، بخش مهمی از صفات اخلاقی والدین را تشکیل می‌دهد و می‌تواند به عنوان سرمشق نوجوان مد نظر قرار گیرد. عدم توفیق زوجین در حل مشکلاتشان منجر به نعارضات شدیدی تر و مداخله دیگران می‌شود (Young & Long, 1998). این نوع مداخله جویی منجر به مثلث سازی می‌شود. مینوچین (Minuchin, 1974)، معتقد است در مثلث سازی هر یک از والدین سعی دارند تا بر علیه دیگری با فرزندان متحد شوند. هر زمان که فرزندان جانب یکی از والدین را می‌گیرند، والد دیگر آن را تهاجم یا خیانت تلقی می‌کند. شرکت در مثلث سازی والدین می‌تواند آنان را به قضاوت اخلاقی در موقعیت‌های به شدت متعارض وادارد. این وضعیت از یک

^۱. Quality school life

طرف ممکن است به رشد قضاوت‌های اخلاقی آنها کمک کند، زیرا مستلزم فرایند مداوم قضاوت بین دو والد و جانب داری از یکی از آنان است. از طرف دیگر با توجه به الگو بودن والدین در زمینه اخلاقی می‌تواند منجر به اختلال در رشد اخلاقی فرزندان شود.

پژوهش پاشا (Pasha, 2010)، در بین دانشجویان دختر و پسر نشان داد که بین سبک‌های هویت پیشرفته، مهلت خواه و رشد اخلاقی با مسئولیت پذیری دانشجویان رابطه مثبت وجود دارد. نتایج پژوهش رهنما (Rahnama, 1994)، در بررسی رشد قضاوت اخلاقی در نوجوانان بزهکار به این نتیجه رسید که سطح رشد و تحول اخلاقی نوجوانان بزهکار نسبت به نوجوانان غیر بزهکار پایین‌تر است و یکی از عوامل ایجاد و تداوم رفتار بزهکارانه تحول اخلاقی سطح پایین بزهکاران می‌باشد. اسپیکل میر در تحقیقی نشان داد، افرادی که از لحاظ رشد اخلاقی نمرات بالایی می‌گیرند، اهل تفکر و چالشند، هدف دارند، با برنامه ریزی عمل می‌کنند و از مسئولیت پذیری بالایی برخوردارند (Spickelmier, 1993). هافمن نشان داد که بین قضاوت اخلاقی کودکان و نوجوانان بزهکار و عادی تفاوت معناداری وجود دارد و کودکان و نوجوانان عادی از لحاظ درک اخلاقی در سطوح رشد یافته‌تری از مراحل کلبیگ قرار دارند (Hoffman, 1988). پژوهش‌های دیگر حاکی است که آن دسته از والدین که به انگیزش‌های مثبت و رشد دهنده و استفاده از فنون انضباطی متوسل می‌شوند، در مقایسه با والدینی که از انگیزش‌های منفی نظیر ترس از محروم شدن از عشق پدر و مادر یا ترس از خشم والدین استفاده می‌کنند، در فرایند همانندسازی مثبت و رشد اخلاقی ریشه‌دار و در پرورش وجدان فرزندان خود توفیق بسیار بیشتری دارند (Hart, 1988, Hoffman, 1983). پژوهش‌های (Grusec & Goodnowf, 1994). پژوهش هنری و میلر (Henry & Miller, 2004) نشان داد که در دوران میانسالی مواردی از قبیل مسائل و مشکلات مالی، نحوه‌ی برخورد و رفتار با فرزندان موجب مشکل در روابط زناشویی می‌گردد. به اعتقاد این پژوهشگران افزایش میزان مشکلات مالی به دلیل مسائل تحصیلی و رشدی فرزندان و همزمانی دوران نوجوانی فرزندان با دوران میانسالی والدین و افزایش فعالیت‌های جنسی در دوران میانسالی می‌باشد. مطالعات طولی سولدو و هیوبنر نشان داد: رضایت از زندگی نقش مهمی در متعادل سازی رابطه بین رویدادهای استرس زای زندگی و برون‌ریزی رفتاری در جوانان دارد، به همین دلیل است که، جوانیکه رضایت از زندگی بالایی دارند بطور معنی داری برون‌ریزی رفتاری کمتری در مواجهه با رویدادهای بد و زیان آور زندگی دارند تا دانش‌آموزی که از زندگی خود ناراضی هستند بنابراین رضایت از زندگی بعنوان یک قدرت درون فردی، در مقابل رشد آسیب‌های روانشناختی- و حوادث استرس زای زندگی سپر محافظی است (Masrouf, 2009). کلی (Kelly, 2044) در پژوهش خود بر روی ۲۱۲ دانش آموز کالج دریافت که دانش‌آموزانی که خواب خیلی کمتری داشته‌اند در مقایسه با آنها که خواب بیشتری داشته‌اند، بطور معناداری از زندگی رضایت کمتری داشته‌اند (Salari, 2012). چی یونگ رابطه مثبتی میان

رضایت از زندگی و عملکرد تحصیلی را در تحقیق خود نشان داد (Gheang, 1988). رفتارها و باورهای نوجوانان تا حد زیادی تحت تاثیر ویژگی‌های رفتاری والدینشان قرار دارد؛ بعلاوه در زمینه‌ی تعارضات والدین و رابطه‌ی آن با رضایت از زندگی و قضاوت اخلاقی در نوجوانان، تحقیقات اندکی انجام شده است، لذا مساله این تحقیق تبیین این رابطه بوده است.

روش شناسی

روش پژوهش از نوع همبستگی یوده است. جامعه آماری، کلیه دانش آموزان دختر سال سوم متوسطه رشته علوم انسانی شهر مرودشت و والدین آنها بوده اند که با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای از فهرست مدارس دارای رشته علوم انسانی، تعداد ۷ مدرسه، و از هر مدرسه یک کلاس تعیین و دانش آموزان و والدین آنها به عنوان نمونه انتخاب شدند. روش جمع-آوری داده‌ها میدانی و ابزار پژوهش شامل پرسشنامه‌های تعارضات زناشویی ثنایی، براتی و بوستانی (Sanayi, Barati & Boostsni, 2008) و پرسشنامه رشد قضاوت اخلاقی دورگانداسینها، میرا وارما (Dorganasinha Mir Varma, 1998) و پرسشنامه رضایت از زندگی داینر (Dienner, 1989) بوده است. پرسشنامه تعارضات زناشویی دارای، خرده مقیاس‌های کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب توجه فرزند، افزایش رابطه فردی با خویشاوند خود، کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان، جداکردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط موثر و ۵۴ گویه سوال است. طیف نمره این پرسشنامه از ۵۴ تا ۲۷۰ می باشد. پرسشنامه رشد قضاوت اخلاقی برای سنجش ارزش‌های اساسی وظیفه، دروغ، فضیلت، خشم، حرص، بخشش، طهارت، نقض عهد، احترام، گناه، راستگویی، سرقت و انتقام طراحی شده است و دارای شش گروه (تشخیص، جملات ناتمام، مقایسه، بهترین پاسخ اخلاقی، استدلال اخلاقی و تعریف) و ۵۰ گویه سوال است و نمره آن از صفر تا ۵۰ می‌باشد. پرسشنامه رضایت از زندگی دارای پنج ماده سوال و دارای ۷ گزینه از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق و طیف نمره آن از ۵ تا ۳۵ می‌باشد. منظور از تعارضات زناشویی، نمره‌ی والدین از پرسشنامه تعارضات زناشویی ثنایی؛ منظور از رشد قضاوت اخلاقی، نمره دانش آموزان از پرسشنامه رشد قضاوت اخلاقی و منظور از رضایت از زندگی نمره‌ی دانش آموزان از پرسشنامه رضایت از زندگی داینر بوده است.

یافته‌های پژوهش

جدول (۱): بررسی میانگین و انحراف استاندارد قضاوت اخلاقی و رضایت از زندگی

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
قضاوت اخلاقی	۳۴/۳	۷/۵
رضایت از زندگی	۱۷/۰۹	۴/۴

جدول (۲): بررسی میانگین و انحراف استاندارد تعارضات زناشویی و ابعاد آن

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
تعارضات زناشویی کلی	۲۰۶/۸۰	۲۳/۱
کاهش همکاری	۲۱/۶۰	۳/۴
کاهش رابطه جنسی	۲۱/۸۵	۵/۲
افزایش واکنش های هیجانی	۲۴/۹۲	۶/۱
افزایش جلب توجه فرزند	۲۲/۶۵	۶/۴
افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود	۲۴/۲۵	۵/۵
کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان	۲۵/۶۲	۵/۳
جدا کردن امور مالی از یکدیگر	۲۶/۵۱	۵/۵
کاهش ارتباط مؤثر	۳۵/۷۶	۶/۷

مطابق جدول میانگین نمرات تعارضات زناشویی، بیشترین میزان میانگین نمرات مربوط به مولفه کاهش ارتباط مؤثر می‌باشد.

یافته‌های استنباطی

آیا بین تعارضات زناشویی والدین با رشد اخلاقی و رضایت از زندگی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد؟ نتیجه آزمون ضریب همبستگی در جدول (۳) درج گردیده است.

جدول (۳): ضریب همبستگی بین تعارضات زناشویی والدین با رشد اخلاقی و رضایت از زندگی دانش آموزان

تعارضات زناشویی		
P<	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۰۱	-۰/۳۸۲	رشد اخلاقی
۰/۰۰۰۱	-۰/۴۱۵	رضایت از زندگی

مطابق جدول شماره (۳)، ضرایب همبستگی برابر با (-۰/۳۸۲ و -۰/۴۱۵) در سطح (۰/۰۰۰۱) معنادار شده است. به عبارت دیگر بین تعارضات زناشویی والدین با رشد قضاوت اخلاقی و رضایت از زندگی دانش آموزان رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

آیا بین ابعاد تعارضات زناشویی والدین با رشد اخلاقی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد؟ به منظور پاسخگویی به این سوال از آزمون ضریب همبستگی استفاده شد که نتیجه در جدول (۴) درج گردیده است.

جدول ۴: ضریب همبستگی بین ابعاد تعارضات زناشویی والدین با رشد اخلاقی دانش آموزان

رشد اخلاقی		ابعاد تعارضات زناشویی
ضریب همبستگی	سطح معناداری	
-۰/۰۷	۰/۰۳	کاهش همکاری
-۰/۱۴	۰/۰۷	کاهش رابطه جنسی
-۰/۴۲	۰/۰۰۰۱	افزایش واکنش های هیجانی
-۰/۰۳	۰/۰۷	افزایش جلب توجه فرزند
-۰/۲۲	۰/۰۰۸	افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود
-۰/۲۸	۰/۰۰۱	کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان
-۰/۲۵	۰/۰۰۲	جدا کردن امور مالی از یکدیگر
-۰/۲۱	۰/۰۱	کاهش ارتباط مؤثر

مطابق جدول شماره (۴) ضرایب همبستگی برابر با (-۰/۰۷، -۰/۱۴، -۰/۴۲، -۰/۰۳، -۰/۲۲، -۰/۲۸، -۰/۲۵ و -۰/۲۱) به ترتیب در سطوح (۰/۰۳، ۰/۰۷، ۰/۰۰۰۱، ۰/۰۰۸، ۰/۰۷، ۰/۰۰۱، ۰/۰۰۱ و ۰/۰۰۲) بدست آمده است، لذا صرفاً تعدادی از ضرایب مزبور معنادار می باشد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین مولفه های افزایش واکنش های هیجانی، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط مؤثر با رشد اخلاقی دانش آموزان رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. آیا ابعاد تعارضات زناشویی می توانند میزان رشد قضاوت اخلاقی دانش آموزان را پیش بینی کنند؟ برای پاسخگویی به این سوال از رگرسیون چند گانه به روش گام به گام استفاده شده است که نتیجه در جدول شماره ی (۵) درج گردیده است.

جدول ۵: تحلیل واریانس و مشخصه های آماری رگرسیون بین ابعاد تعارضات زناشویی با رشد

قضاوت اخلاقی به روش گام به گام

گام ها	متغیرها	R	R ²	F	p<	B	T	p<
اول	افزایش واکنش های هیجانی	۰/۴۲۰	۰/۱۷	۳۰/۴	۰/۰۰۰۱	-۰/۴۲۰	-۵/۵	۰/۰۰۰۱
دوم	افزایش واکنش های هیجانی	۰/۴۷۰	۰/۲۲	۱۹/۹	۰/۰۰۰۱	-۰/۳۸۲	-۵/۰۵	۰/۰۰۰۱
	کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان					-۰/۲۱۴	-۲/۸	۰/۰۰۵

همان گونه که از جدول شماره (۵) استنباط می شود رگرسیون بین ابعاد تعارضات زناشویی با رشد اخلاقی تا دو گام پیش رفته است و داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که نسبت F و سطح معناداری آن در مرحله اول بیانگر اثر معنادار متغیر افزایش واکنش‌های هیجانی در معادله رگرسیون است. در این مرحله اثر رگرسیون ($F=30/4$) به دست آمده که در سطح معناداری ($0/0001$) معنادار می باشد، و ضریب تعیین محاسبه شده بر اساس این متغیر ($0/17$) است، یعنی این متغیر ۱۷ درصد واریانس متغیر رشد اخلاقی را پیش بینی می‌کند. هم‌چنین نسبت F و سطح معناداری آن در مرحله دوم بیانگر اثر معنادار متغیرهای افزایش واکنش‌های هیجانی و کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان در معادله رگرسیون است. در این مرحله اثر رگرسیون ($F=19/9$) به دست آمده که در سطح معناداری ($0/0001$) معنادار می باشد، و ضریب تعیین محاسبه شده بر اساس این متغیرها ($0/22$) است، یعنی این متغیرها در مجموع ۲۲ درصد واریانس متغیر رشد اخلاقی را پیش بینی می‌کنند. با توجه به نتایج می‌توان متوجه شد که متغیر افزایش واکنش‌های هیجانی نسبت به دیگر متغیرها پیش بینی کننده قوی تری برای رشد اخلاقی می‌باشد.

آیا بین ابعاد تعارضات زناشویی والدین با رضایت از زندگی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد؟ به منظور پاسخگویی به این سوال از آزمون ضریب همبستگی استفاده شد که نتیجه در جدول شماره (۶) درج گردیده است.

جدول ۶: ضریب همبستگی بین ابعاد تعارضات زناشویی والدین با رضایت از زندگی دانش آموزان

رضایت از زندگی		ابعاد تعارضات زناشویی
P<	ضریب همبستگی	
0/8	-0/014	کاهش همکاری
0/5	0/05	کاهش رابطه جنسی
0/001	-0/27	افزایش واکنش‌های هیجانی
0/03	-0/17	افزایش جلب توجه فرزند
0/007	-0/22	افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود
0/004	-0/24	کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان
0/009	-0/22	جدا کردن امور مالی از یکدیگر
0/3	-0/07	کاهش ارتباط مؤثر

همان گونه که از جدول (۶) استنباط می شود ضرایب همبستگی برابر با ($-0/27$ ، $0/05$ ، $-0/014$)، ($-0/17$ ، $-0/22$ ، $-0/24$ ، $-0/22$ و $-0/07$) به ترتیب در سطوح ($0/8$ ، $0/5$ ، $0/001$ ، $0/03$ ، $0/007$ ، $0/004$ ، $0/009$ و $0/3$) بدست آمده است و از آنجا که سطح قابل قبول معناداری کمتر از

مقدار (۰/۰۵) می‌باشد، لذا صرفاً بعضی از ضرائب مزبور معنادار می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین مولفه‌های افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان و جدا کردن امور مالی از یکدیگر، با میزان رضایت از زندگی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

آیا ابعاد تعارضات زناشویی می‌توانند رضایت از زندگی دانش‌آموزان را پیش‌بینی کنند؟ نتایج رگرسیون چند گانه به روش گام به گام در جدول (۷) درج گردیده است.

جدول ۷: رگرسیون بین ابعاد تعارضات زناشویی با رضایت از زندگی به روش گام به گام

گام‌ها	متغیرها	R	R ²	F	p<	B	T	p<
اول	افزایش واکنش‌های هیجانی	۰/۲۷۰	۰/۰۷	۱۱/۱	۰/۰۰۰۱	-۰/۲۷۰	-۳/۳	۰/۰۰۱
دوم	افزایش واکنش‌های هیجانی کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان	۰/۳۳۲	۰/۱۱	۸/۷	۰/۰۰۰۱	-۰/۲۳۴ -۰/۱۹۷	-۲/۹ -۲/۴	۰/۰۰۴ ۰/۰۱
سوم	افزایش واکنش‌های هیجانی کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان افزایش جلب توجه فرزند	۰/۳۷۰	۰/۱۳	۷/۴	۰/۰۰۰۱	-۰/۲۴۰ -۰/۱۸۲ -۰/۱۶۳	-۳/۰۱ -۲/۲ -۲/۰۷	۰/۰۰۳ ۰/۰۲ ۰/۰۴

همان‌گونه که از جدول شماره (۸) استنباط می‌شود رگرسیون بین ابعاد تعارضات زناشویی با رضایت از زندگی تا سه گام پیش‌رفته است و داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که نسبت F و سطح معناداری آن در مرحله اول بیانگر اثر معنادار متغیر افزایش واکنش‌های هیجانی در معادله رگرسیون است. در این مرحله اثر رگرسیون ($F=11/1$) به دست آمده که در سطح معناداری (۰/۰۰۰۱) معنادار می‌باشد، و ضریب تعیین محاسبه شده بر اساس این متغیر (۰/۰۷) است، یعنی این متغیر ۷ درصد واریانس متغیر رضایت از زندگی را پیش‌بینی می‌کند. هم‌چنین نسبت F و سطح معناداری آن در مرحله دوم بیانگر اثر معنادار متغیرهای افزایش واکنش‌های هیجانی و کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان در معادله رگرسیون است. در این مرحله اثر رگرسیون ($F=8/7$) به دست آمده که در سطح معناداری (۰/۰۰۰۱) معنادار می‌باشد، و ضریب

تعیین محاسبه شده بر اساس این متغیرها (۰/۱۱) است، یعنی این متغیرها در مجموع ۱۱ درصد واریانس متغیر رضایت از زندگی را پیش بینی می کنند. بعلاوه نسبت F و سطح معناداری آن در مرحله سوم بیانگر اثر معنادار متغیر افزایش واکنش های هیجانی، کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان و افزایش جلب توجه فرزندان در معادله رگرسیون است. در این مرحله اثر رگرسیون ($F=7/4$) به دست آمده که در سطح معناداری (۰/۰۰۰۱) معنادار می باشد، و ضریب تعیین محاسبه شده بر اساس این متغیرها (۰/۱۳) است، یعنی این متغیرها در مجموع ۱۳ درصد واریانس متغیر رضایت از زندگی را پیش بینی می کنند. با توجه به نتایج می توان متوجه شد که متغیر افزایش واکنش های هیجانی نسبت به دیگر متغیرها پیش بینی کننده قوی تری برای رضایت از زندگی می باشد.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین تعارضات زناشویی والدین با رشد قضاوت اخلاقی و رضایت از زندگی دانش آموزان دختر انجام شد. همان گونه که در جداول شماره ۴ و ۵ و ۶، ملاحظه می شود، بین تعارضات زناشویی و ابعاد آن با رشد قضاوت اخلاقی دانش آموزان رابطه منفی و معنادار وجود دارد. بعلاوه تعارضات زناشویی والدین بطور معناداری قادر به پیش بینی تغییرات حاصل در رشد قضاوت اخلاقی دانش آموزان بوده است. نتایج حاصله با نتایج پژوهش های (Kohlberg, 1998)، (Eskandari, 2012)، (Nazari, 2013)، (Swanson & Hil, 1993)، (Hoffman, 1998)، (Goodnow & Grouses, 1994)، (Giles & Eyer, 1997)، (Rest, 1995)، (Halford, 2001)، (Hart, 1988)، (Allen & Boyes, 1993)، همسو می باشد. در واقع خانواده، بنیاد بسیاری از ویژگی های اخلاقی بشمار می رود؛ یعنی سوابق خانوادگی در خلق و خوی کودک تاثیر دارد. والدین به طرق مختلف از جمله با ارائه مدل عملی رفتاری خودشان، رفتار اخلاقی کودکان را شکل می دهند. فرایند اخلاقی شدن به عوامل مادرزادی و یادگیری و تجربه بستگی دارد و بخش عمده تجارب ما حاصل تعامل با محیط و بویژه محیط خانوادگی است. بنابراین تعارضات زناشویی والدین نقش اساسی در فرایند اخلاقی شدن نوجوانان دارند، این نکته بویژه در میان دختران بیش تر احساس می شود، زیرا آنان بعد از مدرسه، بخش عمده وقت خود را در خانواده می گذرانند. هم چنین شیوه های برخورد والدین با مسائل انضباطی و اخلاقی نوجوانان، در فرایند همانندسازی و رشد اخلاقی ریشه دارد و در پرورش وجدان فرزندان دخالت بارزی دارد و زمینه های توفیق یا عدم توفیق آنها را فراهم می کند. بعلاوه هرگاه زوجین بطور پیوسته در حل مشکلاتشان موفق نباشند، یعنی دچار تعارض شدید شوند، منجر به مداخله دیگران و از جمله فرزندان می شود (Long & Young, 1998). به نظر مینوچین (Minochen, 1974) در این حالت هر یک از والدین سعی دارند تا بر علیه دیگری با فرزندان متحد شوند یا مثلث سازی کنند. در مثلث سازی، هر حرکت فرزندان،

از سوی والدین نوعی تباری با طرف مقابل و حمله به وی تلقی می‌شود. مثلث سازی ممکن است فرزندان را وادار به قضاوت‌های اخلاقی در موقعیت‌های یه شدت متعارض قرار دهد. چنین وضعیتی ممکن است به رشد قضاوت‌های اخلاقی آنها کمک کند، چرا که به هر حال مستلزم فرایند مداوم قضاوت بین دو والد و جانب داری از یکی از آنان است. از سوی دیگر با توجه به الگو بودن والدین در زمینه اخلاقی می‌تواند منجر به اختلال در رشد اخلاقی فرزندان شود و آنان را دچار تعارض اخلاقی سازد. هم‌چنین همانگونه که در جداول شماره ۴ و ۷ و ۸ ملاحظه می‌شود، بین میزان تعارضات زناشویی والدین و ابعاد آن با میزان رضایت از زندگی دانش آموزان رابطه‌ی منفی و معناداری وجود دارد، بعلاوه تعارضات زناشویی والدین بطور معناداری قادر به پیش بینی تغییرات حاصل در میزان رضایت از زندگی دانش آموزان بوده است. نتایج حاصله با نتایج پژوهش‌های (Masrou, (, (Veenhoven, 1999), (Dienner, 1985), (Maltaby, 2004), (Halford, 2001), (1999), (Hubner & Dey, 1994) و (Sadock, 1994) همسو می‌باشد. در تبیین این نتیجه می‌توان اظهار داشت: میزان رضایت از زندگی با عوامل ژنتیکی، ویژگی‌های شخصی، روابط اجتماعی، ثبات اقتصادی و امنیت و رفاه و بویژه جو و شرایط خانوادگی و روابط والدین همبسته است. در خانواده‌هایی که از تعارضات زناشویی شدید رنج می‌برند، بسیاری از عوامل مزبور نه تنها خود از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند، بلکه خود زمینه ساز پیامدهای منفی در دیگر عامل‌ها می‌باشند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تعارضات زناشویی شدید بدلیل مختل نمودن روابط اجتماعی اعضای خانواده با یکدیگر و حتی با دیگر اعضای جامعه، تهدید رفاه اقتصادی و ثبات آن، آشفته سازی جو عاطفی، تهدید امنیت، عدم تناسب با فعالیت‌های موفق آموزشی و تحصیلی و احیاناً فراهم نمودن زمینه برای عدم موفقیت در کار و تحصیل، می‌تواند میزان رضایت از زندگی در نوجوانان را کاهش دهد. بعلاوه عدم رضایت از زندگی، خود می‌تواند بطور بازگشتی آثار منفی در پی داشته باشد، بطوریکه همراه با دیگر عوامل بصورت یک چرخه‌ی تخریب عمل کند و کل فرایند زندگی نوجوان را مختل نماید. در مقابل اگر هر یک از عوامل مزبور از وضعیت مناسب و مطلوبی برخوردار باشند، می‌توانند با میزان رضایت از زندگی رابطه‌ی مثبتی برقرار سازند و بصورت یک چرخه‌ی سازنده عمل کنند و زمینه ساز تحول همه جانبه در زندگی نوجوان گردد. بر این اساس با فراهم آوردن زمینه مساعد برای کاهش میزان تعارضات زناشویی در والدین و با ارائه‌ی راهکارهای مناسب برای مقابله و حل این‌گونه تعارضات اجتناب ناپذیر، شاید بتوان زمینه‌ی لازم برای افزایش رضایت از زندگی را در نوجوانان فراهم ساخت و آنان را در هرچه فعال تر کردن یک چرخه‌ی سازنده یاری رساند. خود والدین، مربیان و مشاوران و بویژه مشاوران خانواده می‌توانند در این راستا نقش کلیدی داشته باشند و به رسالت خاص خود عمل کنند.

Refrence

- Baharestan, Z. (2005). Studying the styles of management conflict in Yazd city from teachers point of view, *Educational science & psychology Journal*, 4, 132-139. (Persian)
- Beutell, N. (2006). *Life Satisfaction*. Lona collag Hagan School of Businel.
- Boyes, M.C. & Allen, S. G. (1993). Styles of parent - child interaction and moral reasoning in adolescence. *Merrill - palmer quarterly*, 39, 551-570.
- Cheung, C. K., (1988). Studying as a Source of Life Satisfaction among University Student - statistical Data Included, *College Student Journal*.
- Dew, T. & Hubner , E. (1994). Adolescents perceived quality of life; *An exploratory psychology*. 33: 2. pp 185- 199
- Donovan. & Halper D. S. (2002). Life satisfaction: the state of knowledge and implication for government. *Social capital*. Chapter 3. 2003.
- Dorty, R. (1994). *Child development*, translated by yasayi, mahshid, Tehran: Markaz. (Persian)
- Eskandari. M. (2012). *Relationship spiritual Intelligence and Happiness withn marital conflict of couples Referred to counseling center in Boushehr .Faculty of Education And psychology* – Depatment of Guidance And counseling Thesis (M.A). (Persian)
- Eyler, J & „Giles, D. (1997). *The importance of program quality in service-learning*. In A.S.Waterman (Ed.), *Service learning*. Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Gibbs, J.C., Arnold, K.D & „Burkhart, J.E. (1984).sex differences in the expression of moral judgment. *Child Development*, 55, 1040 – 1043.
- GilGrusec, J. E., Goodnow, J. J. (1994). Impact of values: A reconceptualization of current points of view. *Developmental Psychology*, 30, 4-19.
- Halford, K. (2001). *Short Term Couple Thrapy*, translated by Tabrizy, Mostafa.(2008). Sed. Tehran: Faravan. (Persian)

- Hart. (1988). A longitudinal study of adolescents' socialization and identification as predictors of adult moral judgment development. *Merrill-Palmer Quarterly*, 34,245-260.
- Henry R.G. & Mjiller R. B. (2004). Marital problems occurring in midlife: implications for couple therapies. *The American Journal of Family Therapy*. 32: 405-417.
- Hoffman, M.L. (1980). *Moral development in adolescence*, In J. Adelson (Ed), *Handbook of adolescent psychology*. New York: Wiley.
- Hoffman, M.L. (1988). *Moral development*. In M.H.Bornstein & M. Elam (Eds.), *Developmental Psychology: An advanced textbook* (2nd Ed.). Hillsdale, NJ: Erlbaum
- Hubner, E. S. (1994). Preliminary development and validation of a multidimensional life satisfaction scale for children. *psychological assessment*, 6, 146-158.
- Huebner, A.M & ,Garrod, A.C. (1993). Moral reasoning among Tibetan monks: A study of Buddhist adolescents and young adults in Nepal. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 24,167-185.
- Jahangirzadeh, M.R. (2011). Cognitive – Developmental approaches to moral development. *Journal of Ethical Knowledge*, volume 2 no. pp 104-102. (Persian)
- Kochanska, G. (1993). Toward a synthesis of parental socialization and child temperament in early development of conscience. *Child Development*, 64,325-347.
- Kohlberg, L. (1986). *A current statement on some theoretical issues*. In S. Modgil & C. Modgil (Eds.), Lawrence Kohlberg. Philadelphia: Flamer.
- Maltaby, J. , Day, L., & Braber, L. (2004). Forgiveness and mental health variables: Interpreting the relationship using and adaptational continuum model of personality and coping and individual Differences, 37(8):1629-1641.
- Maltaby, J., L. & Day; L. E. Mccutcheon; R. Gillett; J. Hour an & D. D. Ashe. (2004). "Personality and Cooing: A Context for Examining Celebrity Worship and Mental Health ", *British Journal of Psychology*, 95, pp.411-428.

- Masrouf, M. (2009). The Relationship between positive and Negative perfectionism with Multidimensional Life satisfaction and Hopelessness in Shiraz pre-college students. (Persian)
- Minochen, (1974). *Family Therapy* translated by Hosseinshahi Baravati, Hamidreza & Naghshbandi, Siammak. (1382). Thran: Ravan publications. (Persian)
- Nazari, M. (2013). *The Relation of Interest styles with Marital conflict by mediating Demographic variables*. Faculty of Education And psychology – Department of Guidance And counseling Thesis (M.A). (Persian)
- Pasha, G. R. & Goudarzi, M. (2009). The relationship between identity styles and moral development with responsibility in Students, *Journal of New finds in Psychology*, 87-99. (Persian)
- Pavot, W. & E. Dinner. (1993), "The Affective and Cognitive Context of Self-orted Measures of Subjective Well-Being", *Social Indicators Research*, 28, Pp.1-20.
- Pavot, W., & Dinner, E. (1993). Review of Satisfaction with Life Scale, *Psychological Assessment*, Vole .5, No. 2, pp. 164-172.
- Rahnama, A. (1994). *A comparative study of moral development in normal and misdemeanant adolescents*. Thehran teacher education University, Thesis (M. A). (Persian)
- Rice, P. (2003). *Intimate relationship marriage and family*. California. Cole.
- Sadock. B. j. (1994). *Synopsis of psychiatry Behavioral sciences clinical psychiatry*. 7. Ed. New York: Williams & Wilkins.
- Salari, E. (2012). *The relationship among patriarchal culture the homogamy and type of marriage among married women teachers and nurses with marital conflicts in Bandar Abbas*. Faculty of Education and psychology – Department of Guidance And counseling Thesis (M.A). (Persian)
- Sanyi, B. (2006). *Scales of marriage and family assessment*, Theran: Beesat. (Persian)
- Spickelmier, J. I. (1993). *College experience and moral judgment development*. Doctoral dissertation. Minneapolis's university of Minnesota press.
- Swanson, H.L & Hill. (1993). Meta - cognitive aspects of moral reasoning and behavior. *Adolescence*, 28,711-735. Available on <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/8237556>

- Veenhoven, R. (1996). The study of life satisfaction. In W. E. Saris, R. Veenhoven, A. C. Scherpenzeel, & B. Bunting (Eds.), **a comparative study of satisfaction with life in Europe** (pp. 11-48). Budapest: EOTVOS University Press.
- Young EM & Long. L. (1998). *Counseling and Therapy for couples*. New York.

